

بسم الله الرحمن الرحيم

موضوع

عصمت الانبيا

تدوين

سیده زهرا مظفری لنگرودی

مدرسه جلالیه معصومیه آستانه اشرفیه

۱۳۹۶-۹۷

چکیده

پیامبران برای تزکیه انسانها و تربیت آنها مبعوث شده اند ، بنابراین اگر مردم دروغ و معصیت را بر انبیا مجاز بدانند ، در امر و نهی و در سیره ی لازم الاتباع آنان کذب ، محتمل خواهد بود و در این حالت مردم مطیع اوامر انبیا نخواهند گشت و در نتیجه غرض از بعثت نقض خواهد شد.

تبلیغ هم با قول است هم با فعل. زیرا فعل نیز متضمن تبلیغ است. بنابراین، پیامبر از معصیت، یعنی انجام محرمات و ترک واجبات دینی معصوم است زیرا معیت کار بودن پیامبر زمینه ساز تبلیغ چیزی است که برخلاف دین است، پس او از انجام معصیت معصوم است

فهرست

۱.....	مقدمه.....
۲.....	معنای عصمت.....
۳.....	عصمت در گرفتن وحی و رساندن آن به مردم.....
۳.....	عصمت در عمل به قوانین الهی.....
۴.....	عصمت از خطا در اجرای قوانین الهی.....
۴.....	منزه بودن از اموری که مردم از آنها نفرت دارند.....
۶.....	عصمت و اختیار.....
۸.....	نتیجه گیری.....
۹.....	منابع.....

جهان هستی بر پایه یک سری قوانین خلق شده است که به صورت هدایت تکوینی برای تمام موجودات در حال اجراست اما گروهی از این موجودات به دلیل نعمت تفکر و اختیار دارای هدایت تشریعی می باشند و قوانین مربوط به این گروه توسط واسطه ی الهی به آنها ابلاغ شده است. طبق آیه ی قرآن این گروه که همان نسل بشر است با پیامبری از جنس خودشان به کمال خود هدایت می شوند.

((لقد جاءکم رسول من انفسکم...)).(توبه، ۱۲۸)

به راستی به سوی شما پیامبری از خود شما بیامد...

اما این رسول برگزیده باید دارای چه صفاتی باشد؟

در حقیقت این پیام آور باید از اجتناب به خطا مصون باشد تا بتواند قوانین الهی را بدون اشتباه به ما برساند که به این صفت عصمت گفته می شود. به گفته محقق گرگانی: عصمت ملکه ی اجتناب از معاصی با داشتن توانایی بر عصیان است.

حال سوال اینجاست که آیا این پیام آوران در دریافت، حفظ و ابلاغ وحی یا در امور روزمره ی خود نیز معصوم اند؟

در این مقاله سعی شده است تا با استناد به کلام الله و کتب معتبر محاضرات فی الهیات بحث عصمت انبیا را مورد بررسی قرار دهیم. باشد که این تلاش ناچیز مورد عنایت حضرت ولی عصر(عجل الله تعالی فرج الشریف) واقع شود.

معنای عصمت

عصمت در لغت، به معنی خودداری و بازداری است و در اصطلاح، به گفته ی محقق گرگانی: عصمت ملکه ی اجتناب از

معاصی با داشتن توانایی بر عصیان است. (التعريفات، ۶۵)

((اولئك الذين هدى الله فبهداهم اقتده)). (انعام ، ۹۰)

آنان کسانی هستند که خداوند هدایتشان کرده است پس به هدایت آنان اقتدا کن.

پس خداوند ابتدا انبیا را هدایت نمود و سپس آن ها را برای بندگانش هادی قرار داد و فرمان به اطاعت از آن ها داد حال چطور

ممکن است کسی که هدایت کننده است خود دچار خطا و اشتباه شود ؟ چگونه می توان پذیرفت کسی که خود عامل به منکر

است بتواند ناهی از منکر باشد و دیگران را از عملی که خود به آن اصرار دارد منع کند؟! طبق آیه خداوند پیامبران را هدایت کرده

است پس آنان هرگز مرتکب خطا نمی شوند.

((عالم الغیب فلا یظهر علی غیبه احدا، الا من ارتضى من رسول فانه یسلک من بین یدیه و من خلفه رصدا ، لیعلم ان قد ابلاغوا

رسالات ربهم و احاط بما لدیهم و احصى کل شی عدد)). (جن، ۲۶-۲۸)

دانای غیب اوست و هیچ کس را بر اسرار غیبش آگاه نمی سازد مگر پیامبرانی که آنان را برگزیده و از آنان راضی است و مراقبینی

از پیش رو و پشت سر برای آنها قرار می دهد تا معلوم شود پیامبرانش رسالتهای پروردگارشان را ابلاغ کرده اند و او به آن چه

نزد آن هاست احاطه دارد و همه چیز را احصا کرده است.

یکی از اصحاب امام باقر (علیه السلام) از آن حضرت تفسیر آیه فوق را سوال نمود، امام در پاسخ او فرمود:

خداوند به پیامبرانش فرشتگانی می گمارد تا اعمال و رفتار آنان را کنترل کرده و روش تبلیغ را به آنان یاد دهند و خداوند متعال

بر محمد نیز از روزی که دوران شیر خوارگی اش تمام گردید فرشته ی بزرگی را مامور و موکل نمود که همواره او را به اوصاف

نیک و اخلاق پسندیده راهنمایی و از اخلاق ناپسند جلوگیری می نمود و همان فرشته رسول خدا را که هنوز جوان بود و به مقام

رسالت نرسیده بود بدین گونه صدا می کرد: ((السلام علیک یا محمد یا رسول الله)) و آن حضرت خیال می کرد که این صدا از

در و دیوار بلند است و تأمل میکرد ولی چیزی نمی دید. (شرح نهج البلاغه ، ج ۱۳ ، ص ۲۰۷ ، خ ۲۹۲)

سزاوار است که پیامبر از هر چیزی که دلسرد کننده است پیراسته باشد مانند پاک بودن روحش از رذائل مانند کینه ، حسد و حرص و امثالهم و همچنین پاک بودن جسمش از جزام و برص و پیراستگی نسبش از زنا و پستی اجداد ، زیرا همه این موارد مردم را از باور کردن سخنان نبی و اندیشیدن در معجزات ،منصرف می کند بنابراین طهارت نبی از امور مزبور از الطاف لازم حکیمانه الهی است که مردم را به اطاعت نبی و تمایل قلبی آنان به او نزدیک می کند.(قواعدالمرام،۱۲۷)

امام علی (علیه السلام) درباره نسب رسول خدا (صلوات الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

...هر پدری که خواست از دنیا برود و فرزندی داشت خدا نطفه محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) را در فرزند بهتر قرار داد نه

جنایت کار در انتقال نطفه ی محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) سهم داشت و نه معصیت کار.(نهج البلاغه ،خ ۲۰۵)

این سخن مولا علی (علیه السلام) نشان می دهد که پاکی نسب و برتری اجداد در امر رسالت و جذب مردم به دین بی تاثیر نیست و حتی از اهمیت هم برخوردار است.

و از اهمیت حسن خلق انبیا در جذب مردم در قرآن :

((فبما رحمه من الله لنت لهم و لو كنت فظا غليظ القلب لانفضوا من حولك فاعف عنهم واستغفر لهم...)).(آل عمران،آیه ۱۵۹)

از رحمت پروردگار است که تو برای آنان نرم خوی و مهربان گشتی و اگر تند خوی و سنگین دل بودی از اطرافت پراکنده می شدند پس آنان را ببخشای و بر آنان طلب آمرزش نمای .

در این آیه شریفه از حسن خلق پیامبر سخن گفته شده و با توجه به این که در جمله (ولو كنت فظا) کلمه ((لو)) به کار رفته است پس تندی و خشونت نسبت به آن حضرت غیرممکن است زیرا کلمه ((لو)) درجایی استعمال می شود که وقوع آن عاداتا ممکن نباشد.

((و انك لعلى خلق عظيم)).(قلم، ۴)

تو از اخلاق بزرگی برخورداری.

عصمت و اختیار

چه بسا توهم می شود که عصمت از معصوم حریت و اختیار را نفی می کند و او را بر ترک معصیت مجبور می سازد. نتیجه ی این توهم، نفی هرگون کرامت و ستایش است که به معصوم نسبت داده می شود و باید دانست این که معصوم به مقتضای قدرت و اختیاری که به او عطا شده بر انجام گناهان توانایی دارد، توهم سلب اختیار را دفع می کند. (فرد معصوم اگرچه برای انجام گناه قادر است) ولی تقوای عالی او و علم به آثار گناهان و آگاهی از بزرگی خالق، او را از انجام گناه باز می دارد.

علامه طباطبایی می فرماید:

ملکه ی عصمت، طبیعت دارای اختیار انسانی را در افعال دارای اختیار تغییر نمی دهد و آن را به عرصه ی اجبار و اضطرار نمی کشاند، چگونه ملکه ی عصمت سبب اجبار شود در حالی که علم از مبادی اختیار است. مانند کسی که سالم بودن خود را می خواهد، اگر یقین کند مایعی زهر کشنده ی فوری است با اختیار خود از نوشیدن آن امتناع می ورزد. (المیزان، ج ۱۱، ص ۱۹۳)

و این نظیر صدور قبیح از خدای سبحان است که بالذات ممکن است و در دایره ی قدرتش قرار می گیرد، پس در قدرت اوست که بنده ی مطیع خود را در جهنم جاودان سازد، لکن این امر از او صادر نمی شود؛ زیرا با حکمت و وعده ی او ناسازگار است.

در حقیقت عصمت ریسمانی است که به غریق داده می شود تا به وسیله ی گرفتن آن، خود را سالم نگهدارد، ولی او مختار است ریسمان را بگیرد و خود را نجات دهد و یا نگیرد و غرق شود.

امام علی (علیه السلام) در سخن شماره ۷۶ از کتاب نهج البلاغه، جبر و اختیار مردم را در انجام امور این گونه شرح دادند:

از جمله ی فرمایشات امام (علیه السلام) مطلبی است که در جواب آن شامی به هنگام حرکت به سوی شام سوال کرد: آیا رفتن ما به سوی شام از روی قضا و قدر خداست؟

حضرت در پاسخ شامی مطالبی فرمود که از آن جمله است: افسوس! شاید فکر می کنی که قضا و قدر حتمی است، اگر چنین فکر می کنی باید پاداش و کیفر خدا باطل باشد، نوید و تحدید بیجا باشد خدای عزیز به مردم دستوراتی داده و آنها را آزاد گذاشته است و از مطالبی نهی کرده به عنران اعلام خطر، تکلیف خدا آسان و کم نیست، برای کار کم خیلی ثواب می دهد. هرگاه نافرمانی خدا شود خدا مغلوب نگردیده و مردم از روی بی میلی اطاعت خدا را نمی کنند. پیامبران را به بازی نفرستاده است، بی

جهت کتاب های آسمانی را برای بندگان خدا نازل ننموده، آسمان ها و زمین را و آنچه میان زمین و آسمان است بی فایده

نیافریده است: ((این گمان کسانی است که کافر شده اند. وای به حال کسانی که کافر شده اند از آتش جهنم!))

باین بیان امیرالمومنین علی(علیه السلام) تمامی مردم در انجام رفتار خویش مختار هستند چرا که اگر غیر از این بود طبق سخن خود ایشان فرستادن پیامبران و کتاب و... بی معنا و بازی بود چرا که اگر مجبور به انجام اعمال خویش باشیم دیگر داشتن کتاب هدایت گر و راهنما هم بی معناست و این از حکمت پروردگار به دور است.

و از آن جایی که پیامبر هم مطابق با آیه قرآن بشری است همانند ما ، پس ایشان هم در انجام احکام و فرائض خویش مختار است اما به دلیل داشتن مقام عصمت با وجود داشتن اختیار از ارتکاب به معاصی خودداری می کند.

پس اینکه خداوند در قرآن خود به تجلیل مقام حضرت رسول اکرم (صلوات الله علیه و آله و سلم پرداخته است بیانگر این حقیقت است که ایشان با وجود قدرت اختیار خویش از ارتکاب به معاصی خودداری کرده اند که اگر غیر از این بود دیگر چه جای تجلیل و تکریم داشت که فرشتگان همه بالاجبار از ارتکاب به گناه منزه اند ، واضح است که این تکریم به سبب پاکی و عصمت همراه قدرت اختیار است.

نتیجه گیری

در این اثر تلاش شد با برداشتی از کتاب محاضرات فی الهیات به بررسی عصمت انبیا پرداخته شود و در نتیجه طبق نظر اکثر علمای امامیه انبیا در تمامی جوانب زندگی خود از ارتکاب به خطا و گناه معصوم اند چراکه راستی و تاثیر کامل تبلیغ احکام در گرو دریافت، نگهداری، ابلاغ صحیح و عمل به آن توسط انبیا است.

منايع

- ١- القرآن الكريم ، كلام الله المجيد.
- ٢- نهج البلاغه، سيدرضى، انتشارات نبوى، تهران، ١٣٧٨ ش.
- ٣- الميزان فى تفسير القرآن، العلامة الطباطبائى، السيد محمد حسين، مؤسسه الاعلمى، بيروت، ١٣٩٣ ق.
- ٤- التعريفات، الجرجانى، السيد الشريف على بن محمد، دارالفكر، بيروت، ١٤١٩ ق.
- ٥- كشف المراد، العلامة الحلى، الحسن بن يوسف، مؤسسه النشر الاسلامى، قم المقدسه، ١٤١٩ ق.
- ٦- الالهيات على هدى الكتاب و السنه و العقل، السبحانى، جعفر، الدار الاسلاميه، بيروت، ١٤١٠ ق.
- ٧- قواعد المرام فى علم الكلام، البحرانى، كمال الدين ميثم، مكتبه المرعشى النجفى، قم المقدسه، ١٤٠٦ ق.
- ٨- محاضرات فى الهيات، السبحانى، جعفر، دارالفكر، قم، ١٤٣٨ ق.
- ٩- شرح نهج البلاغه، ابن ابى الحديد ٥٨٦ هـ، دارالفكر، بيروت، ١٤١٠ ق.